

## ضربه به دولت موقت

امیرفیض - حقوقدان

هر عملی که انجام میگیرد واجد دستاورد یادستاوردهائی است که گاه مثبت و گاه منفی است. ارزیابی هر عملی در راستای دستاوردهای آن ممکن است ارزیابی برخی اظهارات و یا اعمال بسیار ساده باشد زیرا رابطه حرف و یا عمل با نتیجه و دستاورد مشخص و عینی است ولی برخی اظهارات نتایج و وابستگی های آن نیاز به گذشت زمان و یا تجزیه و تحلیل دارد تا ماهیت آن دستاوردها و درجه زیان و خسارات وارده از آن قابل تشخیص و توضیح گردد.

در تحریر «موضوع مدحی» که در تاریخ ۱۲/۶/۲۰۱۱ توسط جاوید ایران در سایت ۱۴۰۰ سال منتشر شد کلیاتی در موضوع مدحی و خوانساری و نوری زاده و جهانشاهی مطرح شد اکنون اجازه میخواید به زیان و ضربه بسیارکاری که برنامه مدحی به اساس مبارزه علیه جمهوری اسلامی وارد کرده است نگاه کنیم:

### معلوم قضیه

معلوم قضیه اینکه تشکیل دولت موقت از حقوق مختصه پادشاه است و منابع این تخصیص سنت ۲۵۰۰ ساله سلطنت و سنت مشروطیت و قانون اساسی است و تنها حقی است که تاکنون هیچکس علیه آن برنخاسته است و حتی دکتر مصدق و شورای حقوقی سفارت انگلیس در تعلق حق انتخاب دولت در زمان فترت مجلس سخنی نامانوس نداشته اند.

معلوم دیگر اینکه از همان سال ۱۳۶۰ تز تشکیل دولت موقت بفرمان اعلیحضرت در خارج از کشور مطرح شد و در نشریات و قدری هم سنگریه دلانل حقوقی و مشروعیتی تشکیل چنین دولتی بطور جامع اشاره گردید و هرایراد و یاسوالی که پیش آمد عرض پاسخ گردید و در مقاله «تنهاراه، تشکیل دولت موقت» که در سنگر (سال ۱۳۸۰) رفت مقبولیت دولت در فرهنگ و منش ایرانی در کنار مشروعیت آن مطرح و یگانه راه نجات ایران از مسیر تشکیل دولت موقت بفرمان شاه ترسیم گردید.

معلوم دیگر اینکه حدوداً ۱۰ بار کسانى مصمم به تشکیل دولت موقت گردیدند و مقاصد خود را هم از تشکیل دولت که در راس آن مقاصد نجات ایران قلمداد شده بود نوشتند و انتشار دادند، بعلمت اینکه آن اشخاص فاقد مشروعیت قانونی و ملی برای تشکیل دولت موقت بودند هیچ مورد تحویل جامعه سیاسی قرار نگرفتند و خودشان از این دخالت ناحق و ناموزون کنار کشیدند و یادم هم هست که در مواردی سنگر ملتسمانه از آنها خواست که موقعیت ممتاز و انحصاری تشکیل دولت موقت که از حقوق شاه است را ملعبه و بازیچه قرار ندهید و بگذارید تا اگر روزی در جهت استفاده قرار گرفت سالم و بدور از اتهامات و نارسانى ها باشد.

### به ضربه مهلك نگاه کنید

در کمال تاسف در برنامه مدحی - خوانساری و جهانشاهی تشکیل دولت موقت و یادولت در تبعید نه تنها مطرح بلکه هدف از فعالیت هماهنگ بامدحی، به این مناسبت اعلام شد که آمریکائی ها تشکیل دولت موقت را لازم دانسته اند این موضوع چند بار هم تکرار شد و بعلمت سکوت و عدم تکذیب از ناحیه دست اندرکاران برنامه تشکیل دولت موقت مدحی، ارتباط تشکیل دولت موقت با طرح آمریکا یک انگ و بارزه مشخص گردید و تکذیبی هم که آمریکا از ملاقات شخصیت های کشورش بامدحی کرد پاسخی نبود که تعلق فکرو طرح دولت موقت را به آمریکا نفی نماید هر چند اساساً کل تکذیب آمریکا هم محل اشکال است زیرا «انکار معمول است نه تصدیق» آمریکائیها سالهاست که با هواپیماهای بی خلبان هزاران

پاکستانی رادرشمال پاکستان میکشند وتکذیب هم میکنند که هواپیماهای بی خلبان وبمباران آن مناطق کارآنهاست و آنها یعنی آمریکانیا بی اطلاعند، هیچ جنایتکارو خطاکاری پیشاپیش اعتراف به جنایت وخطا نمیکند مگرخیلی انسان و باوجدان باشد که این صفت درآمریکا نیاها نیست.

نتیجه این نادانی ونفهمی ویا آلت سیاست بیگانه شدن ومانند عروسک دردست یک عامل جمهوری اسلامی قرارگرفتن این است که هرگاه موقعیتی فراهم شود که اعلیحضرت تصمیم بگیرند از حقوق قانونی ومشروعیت سنتی خودشان استفاده ودولت موقت تشکیل دهند چنین دولت موقتی باسابقه ای که دولت موقت مدحی از وابستگی به آمریکا ارائه داده است آن دولت هم بانگ وابستگی به بیگانه درنطفه ناکارخواهد شد.

میتوانم به جرات بگویم که ضربه ای که این بچه های پیرنما <خوانساری، نوریزاده وجهانشاهی ودیگران> به اساس مبارزه وارد ساختند بزرگترین ضربه هانی است که تاکنون از سوی جمهوری اسلامی ومخالفین تداوم سلطنت به مبارزه وارد شده است. ما تنها سلاحی که داشتیم سلاح قاطع ومسلح به مشروعیت وآشنائی مردم یعنی دولت موقت بفرمان شاه بود که آنراهم بنفرت وابستگی به بیگانه ودستور وخواست بیگانه ومصدریت ومامورین بیگانه آلوده اش ساختند.

شنیدم که خوانساری گفته است <مدحی نتوانست چیزی ویاطلاعاتی از اپوزیسیون بدست آورد >

اپوزیسیون چیزی جز حق تشکیل دولت موقت بفرمان شاه ودرچارچوب قانون اساسی مشروطیت نداشت که آنراهم مدحی بدست شما به تاراج زد. این آقایان حتی قدرت درک اینکه مدحی چه برسرآنها آورده است راه هم ندارند خود این مطلب یعنی قدرت درک اینکه چگونه ودرچه حدی اغفال شده است شعور میخواهد.